

تکریم کودک در سیره پیامبر اکرم (ص)

وابستگی سازمانی

دانش آموخته سطح ۲، حوزه علمیه خواهران، فاطمیه (س)، مشگین شهر، ایران

نویسندگان

اعظم صولتی *

اطلاعات مقاله

احترام و تکریم انسان بخصوص کودکان باعث عزت نفس و شخصیت بخشیدن به او می شود و باعث می شود کودک احساس ارزشمندی کند و خود را بزرگ ببیند و این یکی از اصول تاثیر گذار در تربیت مثبت کودک می باشد. در این نوشته به بررسی اهمیت تکریم کودک و روش های تکریم کودکان براساس سیره نبوی و اهل بیت (هم) پرداخته ایم و اهداف این تحقیق شناخت و معرفی روایات و دیدگاه های معصومین در مورد اهمیت تکریم و نحوه ی تکریم کودکان بوده است. معصومین با وجود تمام درگیری ها و دغدغه ها به کودکان اهمیت زیادی داده و به روش های گوناگون کودکان را مورد تکریم و بزرگداشت قرار می دادند، چرا که از اهمیت این موضوع در تربیت آینده کودکان به خوبی آگاهی داشتند. در این نوشته با توجه به روایت معصومین روش هایی را برای تکریم کودکان استخراج نموده ایم که عبارتند از: نقش تکریم کودک در تربیت وی، سلام کردن به کودکان، از جا برخاستن به هنگام ورود کودک به مجلس و با احترام صدا کردن کودک و انتخاب نام نیکو برای وی. الگوهای تربیتی این موارد که ذکر شدند در متن بیان شده است. امید است که با توجه به دیدگاه معصومین جهت تکریم کودکان، ما نیز از آنها الگو گرفته و در شکل گیری شخصیت کودکانمان تلاش نماییم.

تکریم کودک، کودک، سیره، سیره پیامبر (ص)

واژگان کلیدی

توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد
دهی
۱، شماره ۸، شماره پیاپی ۸، (آبان)، صفحات ۳۵ - ۴۷
صولتی، اعظم (۱۴۰۵)، «تکریم کودک در سیره پیامبر اکرم (ص)»، ماهنامه علمی فقه، حقوق و مطالعات اجتماعی، دوره ۱، شماره ۸، (آبان)، صفحات ۳۵ - ۴۷

Honoring the Child in the Tradition of the Noble Prophet (PBUH)

Authors		Organizational Affiliation
Azam Solati*		Level 2 Seminary Student, Women’s Islamic Seminary, Fatimieh (SA), Meshgin Shahr, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Scientific Research	Showing respect and honor to human beings—especially children—fosters self-esteem and helps shape their character, enabling them to feel a sense of worth and self-importance. This constitutes a key principle in positive child-rearing. This article explores the significance of honoring children, as well as methods for doing so, based on the traditions of the Prophet and the Ahl al-Bayt. The objective of this research is to identify and present the narrations and perspectives of the Infallibles regarding the importance of honoring children and the specific ways to accord them such respect. Despite their numerous responsibilities and concerns, the Infallibles placed great importance on children, honoring and esteeming them in various ways—fully aware of the vital role this plays in their future development. Drawing upon the narrations of the Infallibles, this article outlines several methods for honoring children, including: the role of respect in a child’s upbringing, greeting children, standing up when a child enters a gathering, addressing children respectfully, and selecting good names for them. The educational rationale behind these practices is further elaborated within the text. It is hoped that, by reflecting on the perspectives of the Infallibles, we may take them as our model and strive to nurture the character of our own children.
Pages	35 - 47	
Volume 1, Issue 8 (Serial Number 8)		
Corresponding Author’s Info		
Corresponding Author’s	Azam Solati	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09147071428	
Email	solati.farzad@gmail.com	
Article History		
Received	2026/03/27	
Revised	2026/04/28	
Accepted	2026/06/09	
Published Online	2026/07/21	
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Honoring the child, the child, conduct, the conduct of the Prophet (PBUH)</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Solati, Azam (2026), “ <i>Honoring the Child in the Tradition of the Noble Prophet (PBUH)</i> ”, Monthly Scientific Journal of Jurisprudence, Law and Modern Social Studies, Volume 1, Issue 8, Eight Consecutive Issue (September), pp. 35 – 47	

۱: مقدمه

در جهان امروز توجه ویژه ای رفع نیازهای مادی کودکان می شود اما در این میان نباید از نیازهای معنوی و روانی آنها غافل بود چرا که تاثیر بسزایی در آینده و شکل گیری شخصیت آنها دارد یکی از این نیازها نیاز به محترم شمرده شدن و محترم شمردن است چیزی که خداوند در قرآن می فرماید ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم آینده هر جامعه ای به دست کودکان امروز است کودکان امروز هرگونه که تربیت شوند؛ جامعه فردا را همانگونه می سازند. آسیب هایی که به کودکان وارد میشود، باعث تأثیرات منفی در آینده اجتماعی نیز خواهد داشت و در مقابل احترام و تکریم کودکان باعث تقویت حس عزت نفس وی شده و او را فردی مفید در جامعه و خانواده خواهد کرد. یکی از علت های ایجاد عقده روانی به اعتقاد روانشناسان، محترم نبودن فرد در برابر دیگران است؛ همین موضوع نشانگر ضرورت پرداخت به این موضوع می باشد و این مقاله هم در صدد پاسخگویی به این سوال است که تکریم کودک در سیره پیامبر چگونه است؟ می باشد روش تحقیق در این نوشته به شکل کتابخانه ای می باشد.

۲: واژه شناسی سیره

سیره در زبان عربی از ماده سیر است. سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن، سیر یعنی رفتن، رفتار، ولی سیره یعنی نوع و سبک رفتار، در منابع دینی اصطلاح سیره کاربرد زیادی دارد و آن چه معمولاً در اصطلاح سیره مدنظر است، شناخت سبک رفتار بزرگان دین است (مطهری، ۱۳۹۹: ۱۲۹). تکریم به معنی گرامیداشت، بزرگداشت، گرامیداشت و احترام است (انوری، ۱۴۰۰: ۱۵۴۲).

۳: نقش الگوی، عملی و تقویتی سیره

الگو گاه عینی و مستقیم است و گاه تاریخی و غیر مستقیم، نقل فعالیت ها و منش تربیتی چهره های مورد احترام و اعتبار، از نوع ارائه الگوی غیر مستقیم است اما همانگونه که مشاهده الگوی عینی نقش انگیزشی دارد، اطلاع و آگاهی از الگوهای معتبر تاریخی هم این نقش را ایفا میکند. بنابراین، گزارشهای تربیتی معصومان گونه ای الگوسازی است که به ویژه در معتقدان به منزلت والای آنان نقش تهییجی داشته و ترغیب کننده روانی به شمار میرود. آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» با عنایت به روایات وارد شده درباره آن شامل ائمه هم میشود و اشاره روشن به جایگاه الگو دارد. سیره عملی معصومان و گزارش تاریخی آن در پارهای از موارد میتواند نقش آموزشی ایفا کند عمل و سیره معصوم مانند سخن و رفتار او گاه نقش آموزشی روش ها و شیوه ها را در زندگی فردی و اجتماعی ایفا می کند. تجسم عینی اخلاق و شخصیت الهی و معنوی در سیره عملی معصوم، موجب تقویت اعتماد و اطمینان به ملاک ها و ارزش های اخلاقی و الهی و ایمان به عملی بودن آنها در زندگی میشود. مشاهده همه معیارهای فضیلت که در کلام الهی و سخن اولیای خدا تبیین شده است، در پیامبر اسلام و دیگر پیشوایان معصوم و تماشای آن «خلق عظیم» بدون تردید با هم نقش آموزشی دارد و هم در انسان ها ایمان و اطمینان روحی می آفریند انسان کامل ترین موجودات است و همواره اسلام انسان را گرامی داشتند و این تکریم و کرامت را خداوند از اول خلقت به انسان عطا کرده است. در آیه ۷ سوره اسرا حرمت و احترام انسان به طور مطلق بیان شده بدون در نظر گرفتن جنسیت و قومیت و سن کم یا زیاد، هیچ کدام در تکریم انسان دخیل نیست و کودکان نیز مانند بزرگسالان باید مورد تکریم و احترام قرار گیرند. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَحْشِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ وَ بَه رَاسْتِي مَا فَرَزْنَادَانِ آدَمَ رَا گَرَامِي دَاشْتِيم وَ آنَهَا رَا دَر خَشْکِي وَ دَرِیَا بَر مَرکَب هَا بَرَنَشَانْدِيم وَ اَز چِیزهَی پاکیزه بَه ایشان روزی دادیم وَ آنَهَا رَا بَر بَسْیَارِی اَز آفَریده های خود بَرتری آشکار دادیم.»

۴: نقش تکریم کودک در تربیت او

تربیت نقش اساسی در شکلگیری شخصیت و منش هر انسانی دارد و به عبارتی آینده و چیرستی انسان را شکل میدهد در این میان تکریم نقش اساسی را ایفا می کند و از چهار جهت تکریم در تربیت موثر است: انسان دارای حب ذات است و هر انسانی خود را دوست دارد و در جهت حفظ حرمت خود می کوشد و موقعیتی که در آن احساس بی حرمتی کند، پرهیز کرده، با آن به مقابله بر می خیزد (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۷۳). امام صادق(ع) می فرماید: «طَبَعَتِ الْقُلُوبَ عَلَى حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ عَلَيْهَا وَ بُغْضَ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا (حرعاملی، ۱۴۱۰: ۱۵۶) قلب های انسان ها بر دوستی با کسی که با آن ها نیکی کند و دشمنی با کسی که به آنها بدی کند سرشته شده است». بنابراین اگر کودک از والدین خود احساس بی احترامی کند سخنان و تعلیمات آنها، نه تنها بر او اثر تربیتی نخواهد داشت، بلکه اثر معکوس و ضد تربیتی نیز به بار خواهد آورد زیرا ممکن است بغض آنها را در سینه داشته و پذیرای حرف آنها نباشد. احترام به کودک در خود پنداره او تأثیری ژرف بر جای میگذارد و این تأثیر در رفتار شخص بروز می یابد؛ زیرا رفتار انسان ها بر اساس شناختی است که از فرد دارند و این شناخت از خود، به طور معمول از طریق نگاه دیگران به انسان حاصل می شود (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۱). بنابراین، اکثر انسان ها، به ویژه کودکان، خود را چنان می شناسند که دیگران در رفتار خود با آن ها، می نمایانند و بر طبق این شناخت از خود، عمل می کنند، و اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می شوند؛ حال اگر والدین و مربیان کودک در دوران شکل گیری شخصیت او با بی احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش با وی برخورد کنند، شخصیت کودک به صورت شخصیتی ذلیل، حقیر، وابسته و منفی شکل خواهد گرفت و اگر با احترام و بزرگداشت با او برخورد کنند، شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت شکل خواهد یافت. امیرمؤمنان علی(ع) در این زمینه میفرماید: مَنْ كَرَمْتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ لَمْ يَهْنِهَا بِالْمَعْصِيَةِ (نوری، ۱۴۰۰: ۳۳۳) کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه، بی ارزش نمی کند. امام سجاد(ع) نیز می فرماید: مَنْ كَرَمْتَ عَلَيْهِ نَفْسَهُ هَانَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۱۰: ۴۵). کسی که از کرامت نفس برخوردار باشد، دنیا نزد او بی ارزش است. تکریم و احترام به دیگران یک ارزش به شمار می رود و بنابراین برای ایجاد این ارزش در کودکان باید به صورت عملی آن را به ایشان آموخت (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۷۴). بی احترامی آثار منفی و ضد تربیتی فراوانی در پی دارد و هرگز نمیتوان از کودکی که همواره بر او بی احترامی شده انتظار نیکی داشت حضرت علی می فرماید: «کسی که نفسش بروی خوار شد امید نیکی از او نداشته آمدی» (غررالحکم، ۱۴۱۰: ۳۳).

۵: شیوه های تکریم و بزرگداشت کودک در روایات (سیره عملی)

رعایت هر اصلی مستلزم انجام شیوه ها و راهکارهایی است، با توجه به اهمیت تکریم و تاثیرگذاری آن در شکلگیری شخصیت کودک و نقش آن در تربیت، معصومین همواره با شیوه های مختلف کودکان را تکریم میکردند که برخی از آنها عبارتند از:

۵-۱: سلام کردن به کودکان

پیامبر(ص) همیشه به کودکان سلام می کرد. در روایتی از انس آمده است: «ما در حال بازی بودیم که پیامبر(ص) از کنار ما گذشت و فرمود: السَّلامُ عَلَیکُمْ یا صِبیان؛ سلام بچه ها» (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۷۰). روزی انس به مالک به کودکانی برخورد و به آنها سلام کرد و گفت: پیامبر(ص) همیشه بر کودکان سلام می کرد (طبرسی، ۱۴۱۰: ۴۱). امام رضا (ص) نیز از پدران خود نقل می کند که پیامبر(ص) فرمود: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ ... وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصِّبْيَانِ لَیْکُونَنَّ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي؛ پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد... «سلام کردن بر کودکان، تا این که پس از من سنتی برای دیگران باشد».

۵-۲: از جا برخاستن به هنگام ورود کودک به مجلس

پیامبر اکرم (ص) معمولاً به هنگام ورود افراد به مجلس به احترام آنها میایستاد و برای آنها جا باز میکرد؛ اما در برابر فرزندان خویش، حسن و حسین و فاطمه (س) علاوه بر آن، چند قدم به استقبال میرفت. در روایتی آمده است: پیامبر (ص) نشسته بود. حسن و حسین (ع) به طرف آن حضرت آمدند. پیامبر (ص) وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد. چون به کندی حرکت میکردند، پیامبر (ص) به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید» در روایت دیگری آمده است: «مِنْ فَاطِمَةَ، وَكَانَتْ إِذَا دَخَلَتْ عَلَى النَّبِيِّ (ص) عَلَيْهِ قَامَ إِلَيْهَا فَقَبَّلَهَا فَأَجْلَسَهَا فِي مَجْلِسِهِ؛ وَهَرگاه فاطمه نزد پیامبر می آمد، پیامبر (ص) به احترام او می ایستاد و او را می بوسید و در جای خویش می نشاند.»

۵-۳: با احترام صدا کردن کودک و انتخاب نام نیک برای کودک

وقتی که از ابتدای تولد برای کودک نام نیکو و مناسب انتخاب شود باعث می شود تا همیشه کودک با نام مناسب مورد احترام واقع شود درباره نامگذاری کودک با نام های مناسب روایات زیادی وجود دارد از جمله؛ اینکه در روایتی از امام صادق (ع) فرمود: «وقتی فرزند پسری برای ما اهل بیت متولد میشود، تا هفت روز او را محمد صدا میزنیم و پس از هفت روز اگر خواستیم اسم محمد را میگذاریم و اگر نخواستیم او را با نام دیگر صدا می زنیم.» (طبرسی، ۱۴۱۰: ۴۲). امیرمؤمنان علی (ع) فرمود: «اولین خوبی انسان به فرزندش، نام نیکی است که برای او انتخاب می کند» (طبرسی، ۱۴۱۰: ۴۳). امام کاظم (ع) میفرماید: مردی نزد پیامبر آمد و گفت: حق فرزندم بر من چیست؟ پیامبر (ص) فرمود: «تحسن اسم و ادب و وضعه موضعاً حسناً؛ اینکه نام نیکو بر او بگذاری، او را خوب تربیت کنی و او را به جایگاه مناسب خویش برسانی». همچنین پیامبر و ائمه نام برخی افراد را که نامهای بد یا دارای معنای بد بود را تغییر می دادند امام صادق فرمود: «پیامبر (ص) نام های زشت افراد و حتی شهرها را تغییر میداد» (مجلسی، ۱۴۱۰: ۱۲۳). یعقوب بن سداح میگوید: «خدمت امام صادق (ع) رسیدم امام بر بالین امام کاظم (ع) که در گهواره بود ایستاده بودند و مدتی طولانی با او نجوا میکرد نشستیم تا امام فارغ شد آنگاه برخاستیم، امام به من فرمود: «نزد مولایت بیا و بر او سلام کن نزدیک شدم و سلام کردم امام کاظم (ع) به زبان فصیح پاسخ داد و فرمود: نام فرزندت را که دیروز به او نهاده ای عوض کن زیرا آن اسم مورد نفرت خداست وی می گوید: دختری برایم متولد شده بود و من نام او را حمیرا گذاشته بودم.» (نوری، ۱۴۱۰: ۱۷). اما اینکه انتخاب نام نیکو برای کودکان چگونه باعث احترام و بزرگداشت و تکریم کودک می شود؟ از چند جهت در انسان تأثیر می گذارد: تأثیر در رفتار دیگران: نام انسان بیانگر هویت و شخصیت اوست. و افراد دیگر با شنیدن نام او به شخصیت او پی می برند، نام نیک علاوه بر اینکه احترام به شخصیت کودک است، باعث احترام دیگران نیز به او می شود. نام انسان هرچه باشد اثر تلقینی بر او دارد؛ یعنی. اگر شخص دارای نام های نیک همچون ابوالفضل، عبدالرحمان و از این قبیل نام ها باشد، به انسان، صفات فضیلت و بندگی خدا را تلقین می کند و انسان می کوشد این صفات را در خود پدید آورد. کسانی که با انسان سر و کار دارند نیز توقع دارند که او مطابق نام خویش عمل کند. بدین جهت است که در روایت آمده است: «در قیامت افرادی وارد می شوند که نامشان محمد است. خداوند می فرماید: آیا حیا نکردی و مرا معصیت کردی در حالی که نام حبیب مرا بر خود داشتی؟ من از اینکه نام حبیبم را بر خود داری، از عذاب کردن تو حیا می کنم (نوری، ۱۴۱۰: ۶۰). انسان به طور ناخودآگاه می خواهد با بزرگانی که نام او از آنان گرفته شده است و هم نام اویند، همانند شود و خود را مشابه آنان جلوه دهد؛ بنابراین می کوشد چنان رفتار کند که آنان رفتار می کرده اند. جلوگیری از آثار تخریبی نام های بد و نامناسب آثار بدی بر انسان می گذارند. علاوه بر این، نام های بد و ناشایست، دستاویزی برای دیگران در تمسخر و ضربه زدن به شخصیت انسان می شود؛ به ویژه در کودکی و نوجوانی که بچه ها معمولاً برای رونق بخشیدن به محافل و میدان های بازی خود، به دنبال چنین بهانه هایی هستند تا یکدیگر را مسخره کنند (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۲۰). در اینجا بد نیست به تأثیر تربیتی انتخاب نام بزرگان دین بر کودکان اشاره شود که عبارتند از:

همانند سازی کودکان با بزرگان و آثار معنوی حاصل از برگزیدن نام بزرگان دین برای فرزندان. این آثار برای ما چندان مشخص نیست در این مورد جابر می گوید: «روزی امام باقر(ع) قصد داشت با یکی از شیعیانش دیدار کند به من فرمود جابر با من بیا وقتی به درب منزل ولی رسیدیم فرزند کوچکی از اهل خانه در را باز کرد و امام(ع) فرمود نامت چیست؟ عرض کرد محمد امام(ع) فرمود کنیه ات چیست عرض کرد علی، امام(ع) فرمود به راستی خود را در حصار ضخیمی قرار دادی که از شیطان پوشیده است شیطان هرگاه بشنود که صدا می زنی یا محمد و یا علی ذوب می شود چنانکه سرب ذوب می شود و هرگاه کسی نام یکی از دشمنان ما را میبرد شاد می شود و بر خود می بالد.» (کلینی، ۱۴۱۰: ۲۷). نامگذاری فرزندان به نام های بزرگان دین، موجب میشود که فرهنگ خانواده و جامعه، روح دینی به خود بگیرد و این روح دینی، در تربیت و هدایت فرزندان مؤثر افتد. (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۳۰). معصومین(ع) همواره کودکان را با احترام صدا می کردند و هنگام صحبت با فرزندان خویش از لفظ «یابنی» فرزند عزیزم استفاده می کردند همانگونه لقمان فرزندش را با آن مورد خطاب قرار می داد که موارد متعددی از آن در قرآن نیز آمده است امام علی(ع) در نامه خود به امام حسن(ع) می فرمایند: «پسر عزیزم هر چند من به اندازه همه آنان که پیش از من بوده اند نزیسته ام ولی در کارهایشان نگریستم ... و بدان پسر عزیزم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۴-۵: ارزش و اهمیت دادن به کودکان

حضرت رسول(ص) مردی از انصار را دید که دو نفر فرزندانش که همراهش بود یکی را می بوسد و دیگری را نمی بوسد فرمود: چرا بین دو فرزندت فرق می گذاری؟ روزی پیامبر گرامی اسلام(ص)، نماز ظهر را با مردم به جماعت برگزار و دو رکعت آخر آن را به سرعت تمام کرد. پس از نماز، مردم گفتند: «یا رسول الله آیا در نماز حادثهای رخ داد؟» حضرت فرمود: «چرا می پرسید؟» گفتند: «دو رکعت آخر نماز را با سرعت خواندید.» فرمود: «مگر صدای گریه و فریاد کودک را نشنیدید؟» (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۴۳).

۵-۵: رعایت نوبت کودکان

روزی پیامبر(ص) در حال استراحت بود فرزندشان امام حسن(ع) آب خواست حضرت نیز قدری شیر دوشید و کاسه شیر را به دست وی داد، در این حال، حسین از جای خود بلند شد تا شیر را بگیرد، اما رسول خدا(ص) شیر را به حسن داد. حضرت فاطمه(س) که این منظره را تماشا میکرد عرض کرد: یا رسول الله! گویا حسن را بیشتر دوست داری؟ پاسخ دادند: چنین نیست، علت دفاع من از حسن حق تقدم اوست، زیرا زودتر آب خواسته بود. باید نوبت را مراعات نمود (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۴۴).

۶-۵: تکریم و برتری دادن به فرزند دختر

در زمان پیامبر(ص) که داشتن فرزند دختر ننگی بزرگ بود و همواره فرزندان دختر مورد بی احترامی و بیارزشی و در بیشتر اوقات زنده به گوری شدند پیامبر(ص) با دختران به زیباترین وجه ممکن بر خود آنها را تکریم می کردند. در روایتی آمده است: «کسی که دختر خود را خوشحال نماید مانند این است که یک برده از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد» (طبرسی، ۱۴۱۰: ۶۰). در روایتی از امام صادق(ع) آمده: «پسران نعمتند و دختران نیکی و خداوند از نعمت ها سوال می کند و بر نیکی ها پاداش می دهد» (کلینی، ۱۴۱۰: ۴۲). پیامبر اکرم(ص) فرمود: شخصی که یک فرزند دختر داشته باشد و آن دختر را به نیکی تربیت نموده و به نیکی آموزش دهد. و از نعمت هایی که خداوند به او کرامت فرموده بر آن دختر ارزانی دارد. این کار موجب دوری او از آتش شده و به منزله سپری از عذاب جهنم است (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۴۳).

۵-۷: شرکت دادن کودکان در نماز جماعت

معصومین(ع) با شرکت دادن کودکان در نماز جماعت آنها را شاد کرده و مورد احترام قرار می دادند جابر بن عبدالله انصاری نقل میکند که از امام باقر(ع) درباره کودکانی که در نماز جماعت مسجد حضور مییابند پرسیدم؛ حضرت(ص) فرمودند: «بچه ها را در صف آخر در کنار هم قرار ندهید، بلکه آنان را در بین صف ها جدا جدا بنشانید» (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۲).

۵-۸: دیدار و عیادت کردن از کودکان مریض

اینکه بزرگسالان از کودکانی که در بستر بیماری هستند دیدار کنند نمونه دیگری از بایستگی و احترام گذاشتن به شخصیت کودک است در روایتی آمده است انس ابن مالک میگوید نوجوانی یهودی که به پیامبر (ص) خدمت میکرد، مریض شد پیامبر در حالی که نوجوان در احتضار بود، به عیادت او رفت (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۷۳).

۵-۹: شرکت دادن کودکان در مراسم های دعا

روایت است که امام باقر(ع) هنگام دعا کودکان را جمع می کردند و ایشان دعا می کردند و آنها آمین می گفتند یعنی در واقع آنها را از درگاه خدا مقرب می دانست و از این طریق به آنها می فهماند که شما نزد خداوند از احترام ویژه ای برخوردارید و اگر آمین بگویید دعا مستجاب می شود. همچنین در روایت دیگری امام صادق(ع) فرمودند: «كَانَ أَبِي إِذَا حَزَنَهُ أَمْرُ جَمْعِ النِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ ثُمَّ دَعَا وَآمَنُوا» (کلینی، ۱۴۱۰: ۴۱۱). هرگاه امری پدرم را اندوهگین می ساخت، زنان و کودکان را جمع می کرد و دعا می کرد و آنها آمین می گفتند.

۵-۱۰: اظهار کردن و نشان دادن محبت به کودکان

انسان ها به خصوص والدین اگر دوست داشتن خود را در سخن و عمل نیز به کودکان نشان دهند در این حالت است که تکریم کودک آشکار می شود و تاثیر بسیار خوبی در تربیت و شکل گیری شخصیت کودک خواهد داشت. در روایتی آمده زمانی که عباس و زینب دو فرزند امام علی(ع) کودک بودند روزی حضرت علی(ع) به فرزند خود عباس فرمود: فرزندم بگو یک، عباس گفت: یک. حضرت فرمود: بگو دو. عباس گفت: خجالت میکشم با زبانی که یک گفتم دو بگویم. امام از عقل و هوش و درایت فرزند خود بسیار مسرور شد. چشمان فرزند خود را بوسید، آنگاه به زینب کبری که در طرف چپش قرار داشت نگاه کرد. زینب عرض کرد: پدر جان آیا ما را دوست داری؟ امام (ع) فرمود: آری دخترم، فرزندانمان جگرگوشه هایمان هستند. زینب عرض کرد: پدر جان دو محبت است که با هم در قلب مومن جمع نگردد: حب خدا و حب اولاد و اگر از مهر ما گریزی نیست پس عطاوت و شفقت از آن ما و محبت خالصانه از آن خدا. این سبب شد که مهر و عاطفه حضرت علی(ع) به آن دو فزونی گیرد (نوری، ۱۴۱۰: ۴۱۲). همچنین در روایتی دیگر آمده که محمد بن مسعود بصری میگوید: امام صادق(ع) پسری داشت که او را بسیار دوست میداشت. به آن حضرت عرض شد: محبت شما نسبت به او چه اندازه است؟ حضرت فرمود: مهر من به او چنین است که دوست ندارم پسر دیگری داشته باشم که محبتم به او نیز تعلق پذیرد (معرفت، ۱۴۰۰: ۴۳).

۵-۱۱: رفتار پدرانۀ پیامبر(ص) با کودکان

از مصادیق و شیوه های دیگر تکریم کودک توسط پیامبر(ص) رفتار پدرانۀ ایشان با کودکان خود و حتی کودکان دیگر بوده است. در روایتی آمده روزی پیامبر(ص) همراه عده ای از اصحاب از کوچه های مدینه عبور می کردند، در یکی از کوچه ها چند کودک مشغول بازی بودند و در کنار آنها کودکی خود را روی زمین می کشید و گریه می کرد. حضرت متوجه آن کودک شده و کنار او روی زمین نشستند، سپس آن طفل را از روی

زمین بلند کرده و علت گریه او را جویا شدند، کودک گفت: من پسر رفاعه انصاری هستم. پدرم در جنگ احد کشته شد. خواهری داشتم که ازدواج کرد و مادرم نیز شوهر کرد و من را از خود راند، اکنون من بی‌کس و تنها ماندم. بچه‌ها مرا سرزنش می‌کنند و به بازی نمی‌گیرند. حضرت بسیار ناراحت شد و اشک از چشمانش جاری گردید و سپس او را روی زانوی خود نشانید و فرمود: **من از امروز پدر تو و دخترم فاطمه خواهر توست. کودک شادمان شد و برخاست و فریاد زد: ای بچه‌ها، دیگر مرا سرزنش نکنید که من پدرم از پدرهای شما بهتر است (معرفت، ۱۴۰۰: ۴۳).**

۵-۱۲: کمک به کودک

شیوه دیگر در تکریم کودک طبق روایات کمک کردن به او در اعمال و رفتارش می‌باشد. در روایتی پیامبر فرمودند: خداوند رحمت کند آن پدری که فرزندش را به نیکو کاری کمک نماید و به او احسان کند و همراه و همراز او باشد و او را به ادب و دانش آراسته سازد (نوری، ۱۴۰۰: ۴۲۲).

۵-۱۳: عمل کردن به عهد و وعده‌های که به کودکان داده می‌شود

از جمله شیوه‌های مهم در تکریم هر انسانی، با هر سن و سالی که داشته باشد؛ عمل کردن به وعده‌ها و عهد و پیمان است که با وی بسته ایم. از این میان عمل به وعده‌های که در مقابل کودکان داده‌ایم از جمله روش‌های بسیار مهم برای بزرگداشت و احساس بزرگی بخشیدن به کودک است. پیامبر گرامی اسلام (ص) به این موضوع نیز دقت کافی را داشته‌اند. ایشان در روایتی می‌فرمایند: کودکان را دوست بدارید و به آنان رحم کنید و هر گاه به آنان وعده‌ای دادید، به آن وفا کنید که کودکان، تنها این را می‌دانند که شما روزی رسان آنان هستید (عزیزی، ۱۴۰۰: ۱۰۲). همچنین در روایتی امام کاظم (ع) فرمودند: **هر گاه به کودکان وعده‌ای دادید، چرا که آنان بر این باورند که شما روزیشان را می‌دهید. بیگمان، خداوند آنگونه که به خاطر زنان و کودکان خشمگین می‌شوند برای چیز دیگر خشم‌گین نمی‌گیرد (کلینی، ۱۴۱۰: ۴۷).**

۵-۱۴: ستایش کودکان

ستایش از کودکان و اعمال خوب آنان، بخصوص در میان جمع تاثیر بسزایی در تکریم شخصیت کودک و رشد روحی وی دارد. در این مورد عبدالله بن عبدالله بن عتبهم می‌گوید: نزد امام حسین (ع) بودم که فرزندش امام زین العابدین (ع) وارد شدند. امام حسین او را صدا زد و سخت در آغوش گرفت و میان پیشانی او را بوسید و سپس فرمود: **پدرم فدایت چه قدر بوی خوش و خویت زیباست.**

۵-۱۵: تکریم کودک در نوزادی

معصومین در مورد تکریم کودک چنان ارزشی قایل بودند که از همان نوزادی و حتی قبل از به دنیا آمدن او، با سفارش‌ها و رفتارهای خود به تکریم کودک می‌پرداختند. روایت شده: گاهی فرزندان خردسال را به حضور پیامبر (ص) می‌آوردند، تا به عنوان تبرک و برکت یافتن برای او از خدا خیر و نیکی بخواهند، یا نامگذاری کند. رسول گرامی اسلام به خاطر دلجویی بستگان آن نوزاد، او را می‌گرفتند و در دامن خویش می‌نهادند. گاهی اتفاق می‌افتاد که کودک همان جا ادرار می‌کرد. بعضی‌ها که حضور داشتند، بر سر فرزند داد می‌کشیدند و حضرت آنها را نهی می‌کرد، آنگاه دعا یا نامگذاری را به پایان می‌برد و اینگونه خویشاوندان نوزاد را خرسند می‌ساخت تا نپندارند که پیامبر، از آن پیشامد ناراحت و آزرده شده است. چون بیرون می‌رفتند؛ حضرت برخاسته و لباس خود را آب می‌کشیدند و پاک می‌کردند. همچنین در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده که فرمودند: **پیامبر خدا نماز ظهر و عصر را خواند و دو رکعت آخر را سریع بجا آورد. بعد از نماز مردم به ایشان گفتند: ای رسول خدا! درباره نماز چیز تازه آمده است؟ پیامبر فرمودند: این سوال به خاطر چیست؟ گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندی. فرمود: آیا صدای گریه کودک را نشنیدید (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۱).**

۵-۱۶: تکریم کودک با رعایت عدالت بین آنها

در روایتی آمده است روزی پیامبر خدا(ص) گرم سخن گفتن با یاران بود. پسر بچه ای آمد و نزد پدر خود - که در گوشه ای از مجلس نشسته بود - رفت. پدرش دستی به سر او کشید و او را بر زانوی راست خود نشانید. اندکی گذشت و دختر خردسال آن مرد نیز آمد و به طرف پدرش رفت. چون به نزدیک او رسید، مرد دستی به سر دختر کشید و وی را در کنار خود بر زمین نشانید. پیامبر (ص) که تبعیض و بی عدالتی او را دید، به او فرمود: «چرا دخترت را بر زانوی چپ خود نشانیدی؟!». آن مرد که به رفتار نادرست خود پی برده بود، به دستور پیامبر عمل کرد و دخترش را به زانوی دیگر نشانید. رسول خدا فرمود: «کنون عدالت را رعایت کردی.» (طبرسی، ۱۴۱۰: ۲۲۷). رسول گرامی اسلام حتی در بوسیدن فرزندان نیز رعایت عدالت را لازم می داند و می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تُعَدِّلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ؛ پروردگار دوست دارد بین فرزندان عدالت را رعایت کنید، حتی در بوسیدن آنان.» در روایتی آمده است: «روزی بشیر بن سعد، فرزندش نعمان را به محضر پیامبر آورد و عرض کرد: من به این فرزندم بندهای هدیه کردم. پیامبر(ص) فرمود: «آیا به تمام فرزندان چنین بخششی کردی؟» عرض کرد: خیر. رسول خدا فرمود: «پس این را هم از او پس بگیر» (معرفت، ۱۴۰۰: ۵۰).

۵-۱۷: شاد و خوشحال کردن کودک

شیوه دیگر از رفتار معصومین جهت تکریم و احترام کودکان شاد کردن آنها می باشد پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «کسی که دختر بچه خود را شادمان کند مانند کسی است که بندهای را از فرزندان اسماعیل ذبیح، آزاد کرده باشد و آن کسی که پسر بچه خود را بوسیده و دیده او را روشن کند مانند کسی است که دیده اش از خوف خداوند گریسته باشد و همچنین میفرماید آن کسی که فرزند خود را ببوسد حسنه ای در نامه اعمال او ثبت خواهد شد و آن کس که فرزند خود را شاد کند خداوند او را در قیامت سرور میکند (شعبانی، ۱۴۰۰: ۶۵).

۵-۱۸: بازی با کودک

یکی از لوازم اساسی به منظور رشد روحی و جسمی کودکان بازی کردن است. بازی با وسایل گوناگون و متناسب از ابزار بروز خلاقیت و استعداد کودکان است، به همین منظور است که رسول (ص) در بازی کودکان شرکت میکرد و با آنان همبازی میشد. ابن مسعود نقل کرده است پیامبر(ص) امام حسن و امام حسین (ع) را به پشت خود سوار می کرد و امام حسن در طرف راست و امام حسین را در طرف چپ خود مینشانید و راه میرفت و میفرمود: چه شتر خوبی دارند و شما چه سواران خوبی هستید و پدرتان از شما بهتر است (مجلسی، ۱۴۱۰: ۲۵۴) جابر می گوید نزد پیامبر(ص) رفتم در حالی که امام حسن و امام حسین را به پشت خود سوار کرده بود و چهار دست و پا راه میرفت و میگفت: چه شتر خوبی دارند و شما چه سواران خوبی هستید (مجلسی، ۱۴۰۰: ۲۵۴) يَقْدُمُ مِنَ السَّفَرِ فَيَتَلَقَّاهُ الصَّبِيَّانُ فَيَقِفُ لَهُمَا، ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمَا فَيَرْفَعُونَ إِلَيْهِ، فَيَرْفَعُ مِنْهُمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَيَأْمُرُ أَصْحَابَهُ أَنْ يَحْمِلُوا بَعْضُهُمْ، فَرُبَّمَا يَتَفَاخَرُ الصَّبِيَّانُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: حَمَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَحَمَلَكِ أَنْتَ وَرَاءَهُ، وَيَقُولُ بَعْضُهُمْ: أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَحْمِلُوكَ وَرَاءَهُمْ؛ (فیض کاشانی، ۱۴۱۰: ۳۴۳) موقعی که رسول اکرم(ص) از سفری مراجعت میفرمود و در رهگذر با کودکان مردم برخورد می کرد به احترام آنها می ایستاد، سپس امر میفرمود کودکان را می آوردند، از زمین برمی داشتند و به آن حضرت می دادند. رسول اکرم(ص) بعضی را در بغل میگرفت و بعضی را بر پشت و دوش خود سوار میکرد و به اصحاب خویش میفرمود: کودکان را بغل بگیرید و بر دوش خود بنشانید. پس از اتمام بازی و رفتن رسول خدا از نزد کودکان، آنها بر یکدیگر دیگر فخر فروشی میکردند و بعضی بر بعضی دیگر می گفتند: رسول خدا مرا در آغوش خود گرفت اما تو را بر پشت خویش سوار کرد! بعضی دیگر هم می گفتند: رسول خدا (ص) به اصحابش دستور داد تا تو را در پشت سرشان سوار کنند.» سیره

رسول خدا(ص) در محبت به کودکان به حدی بود که علاوه بر همبازی شدن با آنان و نادیده گرفتن موقعیت، با فروتنی به بازی با آنها میپرداخت و این در حالی بود که زمان نماز فرا رسیده بود و مردم در انتظار اقامه نماز به امامت ایشان بودند، در یکی از روزها که رسول خدا به منظور خواندن نماز جماعت عازم مسجد بودند، در راه به گروهی از کودکان برخوردند که در حال بازی کردن بودند، بچه ها با دیدن پیامبر دست از بازی کشیدند و به سوی ایشان رفتند و به پیامبر گفتند؛ «کن جملی!» شتر من باش، رسول خدا درخواست کودکان را اجابت کردند و مشغول بازی با آنها شدند و این درحالی بود که مردم در مسجد در انتظار ایشان بودند. بلال که در مسجد همراه مردم منتظر ورود رسول خدا بود، با مشاهده تاخیر پیامبر (ص) به سمت خانه ایشان حرکت کرد، او در راه به رسول خدا رسید و با دیدن صحنه بازی کردن ایشان با کودکان خواست تا بچه ها را از اطراف ایشان دور کند؛ اما رسول خدا مانع شدند و فرمودند: برای من دیر شدن زمان اقامه نماز از ناراحتی کودکان بهتر است، سپس از بلال خواستند تا به خانه ایشان برود و برای کودکان چیزی تهیه نماید تا به این ترتیب بچه ها حضرت را رها کنند، بلال رفت و از منزل پیامبر تعدادی گردو پیدا کرد و به محضر ایشان بازگشت، رسول خدا گردوها را از بلال گرفتند و به بچه ها فرمودند: آیا شتران خود را به این گردوها می فروشید؟ کودکان نیز با دیدن گردوها، آنها را از دست پیامبر گرفتند و ایشان را رها کردند. پیامبر نیز عازم مسجد شد و فرمود خدا رحمت کند برادر من یوسف را که او را به چند درهم فروختند و مرا نیز به هشت گرد. (عوفی، ۱۴۱۰: ۴۵). امام صادق(ع) در کودکی با کودکان مینشست استاد میشد و کودکان دیگر شاگرد او می شدند. او نام میوه ای را می خواست که برای نمونه بر درخت یا زمین می روید. رنگ آن قرمز است و طعم شیرین یا ترش دارد و فصل آن همین فصل است. هر کس نام او را می گفت، او استاد می شد و گروه را رهبری می کرد. گاهی بعضی از کودکان از روی شوخی نام میوه ها را عوض می کردند و پاسخ اشتباه می دادند. حضرت به دلیل صداقت نداشتن بعضی از هم بازی هایش، بازی را ترک می گفت، ولی با خواهش بقیه دوستانش که می گفتند بازی بدون او رنگی ندارد، دوباره به بازی برمی گشت (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۲۳). در بازی دیگر حضرت، باز هم یک استاد و چند شاگرد بود. استاد کلمه ای مانند «الشراعیه» و کلمات هم وزن آن مانند «الصفایه»، «الدعیه» را می گفت، اگر چه بی معنا باشد، در حالی که شاگرد مدام باید همان کلمه نخست را تکرار می کرد. با رخ دادن اشتباه، شاگرد از بازی خارج میشد بدین سبب امام علیه السلام زبان دقت و تمرکز کودکان را تقویت میکرد (حسینی زاده، ۱۴۰۰: ۱۲۴). این روایت ها به خوبی بیانگر اهمیت دادن معصومین (ع) به بازی کودکان جهت رشد و تکریم و احترام به شخصیت کودکان را بیان می کند.

۵-۱۹: تکریم کودک بوسیله دعا در حق او

کودکان چون در اول و آغاز راه هستن نیاز به دعا والدین خود دارند و دعا آنها در حق فرزند زودتر مستجاب میشود و اکثر کسانی که انسانهای مفید و موفق شده اند در سایه همین دعا بوده است در سیره معصومین (ع) نیز به این دارای اهمیت ویژه بوده حضرت ابراهیم (ع) برای فرزندش چنین دعا می کند «ربنا واجعلنا مسلمین لک و من ذریتنا امه مسلمه لک» (سوره بقره، آیه ۱۲۵). دعا پیامبر(ص) برای کودکان عایشه می گوید: «کان رسول الله یؤتی بالصبيان فیدعوا لهم ویبرک علیهم»؛ (صحیفه سجاده، ۱۲۵). روش پیامبر(ص) این بود که کودکان را به محضرش می آوردند آن حضرت برای آنان دعا و طب و خیر برکت می کرد» دعای امام زین العابدین (ع) برای فرزندان خود که این چنین دعا می کردند: بار خدایا به من نعمت عطا فرما به ماندن فرزندانم، و به شایسته گردانیدن ایشان برای اطاعت و پیروی از من و بهره بردن من از ایشان. بار خدایا عمرشان را برای من دراز گردان و مدت زندگیشان را بسیار نما و خردشان را برای من پرورش ده و ناتوان شان را نیرومند ساز و تن ها و کیش ها و خوی های شان را برای من سالم بدار و در جان ها و اندام شان و در هر چه از کار ایشان به آن می کوشم تندرستی ده و روزی ایشان را برای من و به دست من فراوان گردان و ایشان را نیکوکاران و پرهیزکاران و بینایان و شنوندگان و فرمانبران خودت و دوستداران و پند دهندگان برای دوستانت و کینه داران برای دشمنانت قرار ده. آمین. امام صادق(ع): «ثلاث دعوات لا یحجب عن الله دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ إِذَا بَرَّهٗ، وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهٗ. سه دعا است که از لطف و رحمت و

استجابات الهی محروم نمی ماند... دعای پدر برای فرزند خود، در صورتی که به پدر نیکی کرده باشد و نفرینش در صورتی که به پدر بی مهری و از او نافرمانی کرده باشد. «ابوالقاسم کوفی از پیامبر اکرم (ص) روایت می کند: «إِنَّ الْعَبْدَ كَيَّرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ لَا يَعْرِفُهَا مِنْ أَعْمَالِهِ، يَقُولُ: رَبِّ أَنْتَ لِي هَذِهِ؛ فَيَقُلُ: بِاسْتِغْفَارِ وَالِدَيْكَ لَكَ مِنْ بَعْدِكَ» (معرفت، ۱۴۰۰: ۳۱) بنده ای را در بهشت یکدرجه بالاتر می برند که آن را دستاورد اعمال خود نمی داند. به پروردگار عرض می کند: پروردگارا! این درجه از کجا به من داده شده است؟ خداوند می فرماید: به خاطر آمرزشی که پدر و مادرت پس از تو برای انجام دادند.»

۵-۲۰: قبول کردن دعوت از کودکان

راه دیگر جهت تکریم و احترام به شخصیت کودک این است که زمانی که کودک از بزرگسالی دعوت به عمل می آورد دعوت او را پذیرفته و با او همراه بشویم چرا که این باعث میشود که کودک احساس با ارزش بودن و اهمیت داشتن بکند در روایتی از ابن ابی الحدید آمده است: روزی امام حسن از کنار کودکان که سرگرم بازی بودند می گذشت. کودکان در حالی که تکه نانی در دست داشتند و می خوردند به امام حسن تعارف کردند و او را به خوردن نان دعوت کردند. امام دعوت آن ها را پذیرفت و با آن ها غذا خورد و سپس کودکان را به منزل خویش برد، به آن ها غذا و پوشاک داد و فرمود: «دعوت آن ها از دعوت من ارزش مند تر بود؛ زیرا آن ها هر آن چه داشتند به من دادند؛ ولی من بیش از آن چه به آن ها دادم، دارم»

۶: روش های تربیت کودکان

در پایان مطالب باید اشاره ای به روش های تربیت کودکان داشت چرا که هدف از همه این مطالب تربیت صحیح کودکان است. برای تربیت کودکان دانشمندان چهار الگوی تربیتی ارائه کرده اند با مطالعه منابع اسلامی، می توان الگوی پنجمی را نیز به آنها اضافه کرد.

۶-۱: الگوی مبتنی بر سختگیری

این الگوی تربیتی بیشتر در نسل گذشته جریان داشت، کودکانی تربیت می شدند که به علت نقصان محبت از نظر عاطفی و روانی دچار اضطراب، تنش و افسردگی و گاهی خودکشی میشدند اما به جهت سختگیری، پرتلاش و مسئولیت پذیر بودند. والدین به این جهت به فرزندان خود محبت نمی کردند که آنها به اسطلاح لوس نشوند و معتقد بودند که تعریف و تمجید موجب لوس شدن آنها می شود.

۶-۲: الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و عدم قاطعیت

این الگو نیز در واکنش به الگوی اول شکل گرفت، فرزندان لوس، ضعیف النفس، وابسته، پرتوقع و از لحاظ عاطفی کودک صفت بار می آیند، این افراد در برابر مشکلات مقاوم و صبور نیستند و زندگی خانوادگی و اجتماعی شان به شدت دچار مشکل می شود هر چند از لحاظ عاطفی کمتر احساس کمبود می کنند در این الگو والدین معتقدند که حق همیشه با فرزندان است کودک هر چه می خواهد باید در اختیارش گذاشت و نباید گذاشت که ناراحت شود.

۶-۳: الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و عدم قاطعیت

این الگوی تربیتی کودکانی تربیت میکند که چون محبت نمی بینند از نظر عاطفی دچار اختلال هستند و چون قاطعیت درباره آنان وجود ندارد مبتلا به بزهکاری و خلافکاری می شوند.

۴-۶: الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت

در این الگوی تربیتی کودکان هم از لحاظ عاطفی ارضا می شوند و هم سخت کوش، صبور و مسئولیت پذیر تربیت می شوند. دانشمندان این الگو را بهترین الگوی تربیت کودک می دانند. اما نظر اسلام در این باره چیست؟ در آموزه های دینی مباحث بسیار و پراکنده در این باره وجود دارد مهم این است که نظام حاکم بر آنها را بشناسیم و الگوی تربیتی ای از آنها به دست آوریم به نظر می رسد الگویی که مجموع متون قرآن و حدیث به دست می آید همان است که در الگوی پنجم از آن سخن خواهیم گفت.

۵-۶: الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت و کرامت

از دیدگاه اسلام، محبت یکی از اصول تربیتی کودک است که به شدت مورد تأکید قرار گرفته و محبت نکردن به شدت مذمت شده و افراط در محبت نیز نهی شده است؛ لذا در کنار محبت، صلابت و دقت در تربیت کودک نیز مورد توجه بسیار قرار گرفته است. بر این اساس کودک در عین حال که محبت میببیند ولی رها و آزاد نیست تا به دلخواه خود رفتار کند، همچنین در عین اینکه تربیت میشود مورد مهر و محبت و مدارا نیز قرار میگیرد در نتیجه از افراط در ملایمت و خشونت که از شاخصه الگوی سختگیری بدون محبت هستند نهی شده است. الگوی تربیتی اسلام بُعد دیگری نیز به نام «تکریم» دارد، تکریم احترام گذاشتن به کودک و ارزش قائل شدن برای اوست. از دیدگاه اسلام کودک، چون کودک است نباید تحقیر شود و احساس بی ارزشی و یا کم ارزشی کند هر چند کودک بیشتر محتاج محبت است و بزرگسال محتاج احترام ولی این بدان معنی نیست که شخصیت کودک، نباید محترم شمرده شود همانگونه که مهر و عطوفت به بزرگسالان نیز نباید فراموش شود. کودکی که با ارزش قلمداد میشود و شخصیت او محترم شمرده میشود به احساس ارزشمندی، عزت نفس و کرامت دست مییابد و هر کس برای خودش ارزش قائل باشد خود را به زشتی ها آلوده نمیکند. کرامت نفس محور اساسی اخلاق و تربیت اسلامی است و مهمترین راه آن تکریم انسان به ویژه در دوران کودکی است البته بخشی از کرامت پروری به آموزش زشتی ها و زیبایی ها مربوط است ولی تکریم، ارزش و اهمیت بسیاری دارد (شعبانی، ۱۴۰۰: ۶۱).

۷: نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد میتوان چنین نتیجه گرفت که انسان نیازمند این است که دیگران برایش قدر و منزلتی قائل باشند و خودش را با ارزش و منزلت ببیند و این احساس را در برخورد با دیگران به دست میآورد که داری منزلت است، حال اگر کودک احساس عزت و ارزشمندی کند اعتماد به نفس به دست میآورد و در خانواده و اجتماع ارزش یافته و مفید خواهد بود و برعکس اگر درون احساس بی شخصیتی و بیارزشی کرد، به انحرافات و رفتارهای اجتماعی ناپسند گرایش پیدا میکند جهت جلوگیری از این امر، راهی که قرآن و معصومین در اختیار ما گذاشتند تکریم و احترام به انسان از همان ابتدای کودکی است پس باید در این مورد از هیچ تلاشی دریغ نکنیم و از رفتار معصومین در این جهت استفاده و آنها را الگوی برای تربیت صحیح کودکان و داشتن فرزندان سالم و صالح و در نتیجه جامعه سالم قرار دهیم.

منابع

- ❖ قرآن کریم
- ❖ نهج البلاغه
- ❖ صحیفه سجاده

- ۱) ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبّالله (ابوحامد) (۱۶۷۶ق)، «شرح نهج البلاغه»، قم: کتابخانه آیت الله نجفی مرعشی.
- ۲) ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۶۷۶ق)، «تحف العقول»، به تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.

- ۳) انوری، حسن (بی‌تا)، «فرهنگ بزرگ سخن»، بی‌جا: مهارت.
- ۴) حر عاملی، محمد بن حسن (۱۶۷۳ق)، «وسائل الشیعه»، ج ۲۱ و ۲۷، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۵) حسین‌زاده، سیدعلی (۱۳۵۵)، «تربیت فرزند»، چاپ چهارم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۶) حسینی‌زاده (بی‌تا)، «سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت علیهم‌السلام»، ص ۱۷۳-۱۷۴.
- ۷) خرگوشی نیشابوری، عبدالملک بن محمد (ابوسعید) (۱۶۲۶ق)، «شرف المصطفی»، ج ۶، مکه: دارالبشائر الاسلامیه.
- ۸) شعبانی، اکبر (۱۳۳۲)، «مهارت‌های تربیت کودکان»، بی‌جا: وفایی.
- ۹) طبرسی، رضی‌الدین حسن بن فضل (۱۶۱۲ق)، «مکارم الاخلاق»، قم: شریف رضی.
- ۱۰) عزیزی، عباس (۱۳۵۴)، «سیره النبی»، چاپ اول، بی‌جا: وصال.
- ۱۱) عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۶۷ه.ش)، «جوامع الحکایات و لوامع الروایات»، تهران: ابن سینا.
- ۱۲) فیض کاشانی، محسن (بی‌تا)، «المحجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء»، به تصحیح و تعلیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۳) کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۴۰)، «اصول کافی»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۴) مجلسی، محمدباقر (۱۶۷۶ق)، «بحارالانوار»، بیروت: الوفا.
- ۱۵) محدث، جواد (۱۳۵۴)، «اخلاق نبوی»، قدس: عصمت.
- ۱۶) مروجی طبسی، محمدجواد (۱۳۳۷)، «حقوق فرزندان در مکتب اهل‌بیت»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- ۱۷) مطهری، مرتضی (۱۳۵۵)، «سیری در سیره نبوی»، چاپ پنجاهم، قم: صدرا.
- ۱۸) نوری، میرزا حسین (بی‌تا)، «مستدرک الوسائل»، ج ۱۱، چاپ اول، بیروت - لبنان: مؤسسه آل‌البیت.